



شهروند

روزنامه

رسانه فرهنگ خدمت و اولاد ایرانیان

چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ | ۲۰ شعبان ۱۳۸۸
۱۱۲۷ شماره | سال پنجم | 17 May 2017



من معجزه می کنم! شما چطور؟

هر بار که مسأله انتخابات مطرح می شود، نزد بخشی از مردم این پرسش طرح می شود که چرا باید رأی داد؟ چه فایده ای دارد؟ همه مثل هم هستند؛ از پیش معلوم است که چه کسی باید انتخاب شود، پس چه نیازی به حضور ما دارد؟ شناسنامه من پاک است! این نظرات و پرسش ها همیشه بوده و هست و کسی هم که نخواهد در انتخابات شرکت کند، کاری به پاسخ های داده شده ندارد، ولی شاید کسانی باشند که این پرسش ها برای آنان موضوعیت دارد و لذا پرداختن به مسأله واجد اهمیت است. از چه منظری می توان وارد انتخاب شد و مشارکت کرد؟

۱۲ سال پیش که مرحوم آقای هاشمی نامزد انتخابات شد، برخی از این افراد قاطعانه انتخابات را مسخره کردند و مدعی شدند که نتیجه از پیش معلوم است و چه شرکت کنید و چه شرکت نکنید، آقای هاشمی رئیس جمهوری است. هنگامی که انتخابات به دور دوم هم کشید، همین را گفتند ولی زمانی که آقای هاشمی انتخاب شد، زبانشان بند آمد، ولی هیچ گاه حاضر

نشدند که به اشتباه راهبردی خود اذعان کنند که شناخت آنان از معنا و مفهوم انتخابات در ایران اشتباه است. اشتباهی که پیش از آن در ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰ و سپس ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ نیز تکرار شد، ولی خوشبختانه این بار کمتر شنیده می شود که با این استدلال بخواهند انتخابات را نفی کنند. گفته می شود که همه مثل هم هستند، این نیز اشتباهی آشکار است. کافی است نگاهی به برنامه های نامزدها و نقدهای آنان علیه یکدیگر بیندازیم. در مواردی آنان در دو قطب مخالف یکدیگر سیر می کنند. متفاوت یا شبیه بودن یک امر نسبی است. چگونه می شود شخصی مثل آقای هاشمی را با احمدی نژاد شبیه دانست. به طور قطع آنان از دو نحوه بینش و دو تجربه و دو تاریخ و پیشینه گوناگون برخوردارند و در تمام زمینه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی راهبردهای متضادی دارند. مستقل از اینکه کدام یک را بپذیریم، باید گفت که نامزدهای انتخابات همه یک جور نیستند. در همین گفتند ولی زمانی که آقای هاشمی انتخاب شد، زبانشان بند آمد، ولی هیچ گاه حاضر

از موارد در دو قطب به نسبت متضاد قرار دارند. درباره موثر بودن انتخابات ایران از یک سو و دیگر هم می توان نظر داد. تمامی انتخاباتی که در سال ۱۳۷۶ تاکنون انجام شده، به نوعی متأثر از حضور مستقیم مردم بوده است. همه آنها نیز بشدت اثرگذار بوده و ریل اداره کشور را به کلی تغییر داده است. پس چگونه می توانیم چنین واقعیتی را که همه به صورت آشکار می بینند و لمس می کنند، نادیده گرفت؟

یکی دیگر از اشتباهات برخی از افراد این است که گمان می کنند قدرتی که از طریق رأی دادن منتقل می کنند، لزوماً به نفع آنان به کار نمی رود. این نیز اشتباه است. هر جامعه ای که مردمش در عرصه سیاسی و انتخابات حضور داشته باشند، نوعی از قدرت را به مدیران خود منتقل می کنند که سوءاستفاده کامل از این قدرت امکان پذیر نیست. قدرت ناشی از آرای مردم و دموکراسی ماهیتی دارد که مانع از سوءاستفاده بی حد و اندازه صاحبان آن از این نوع قدرت می شود، ولی مهمتر از همه این است که این قدرت به دلیل ماهیت آن قابل بازپس گیری است. به

همین دلیل در کار برد آن رعایت خواهند کرد. علت دیگری که در دفاع از مشارکت سیاسی و انتخابات می توان گفت؛ این است که انتخابات کم ضررترین شیوه برای حل اختلافات سیاسی است. جامعه ایران از فقدان شیوه های مدنی برای اختلافات خود در رنج است. انتخابات مهمترین نهاد حل اختلاف در حوزه سیاسی است. اگر این نهاد نباشد، ستیز جای حل مسأله امتزاج را خواهد گرفت. همین الان می بینیم که نوعی از رقابت حاد میان نیروها وجود دارد، ولی امید همه مادر این است که با انجام یک انتخابات سالم مردم به داور در این اختلاف مهر پایان بزنند. فقدان این نهاد است که برخی از کشورهای منطقه را دچار بحران های حاد و درگیری کرده است.

علت دیگر، دفاع از افزایش مشارکت، اهمیت حضور و قدرت مردم در دفاع از اعتبار کشور است. شاید در شرایط صلح یک رأی دادن نقش پیشگیرانه ای در منتفی کردن حضور در جبهه جنگ را ایفا کند. ملتی که بالای ۸۰ درصد مردمش با رضایت خاطر وارد انتخابات شوند، پیام دفاعی روشنی به جهان می دهد که از دهها

موشک و هواپیما نقش بازدارندگی بیشتری دارد. با وجود تمام اینها، دلیل اصلی این یادداشت برای دفاع از مشارکت در انتخابات چیز دیگری است؛ این دلیل بنیادی ترین گزاره در جامعه مدرن است. «مشارکت حلال مشکلات است.» برخی ها گمان دارند که رأی دادن به یک نفر، مثل پول دادن به اوست و او هنگامی که صاحب پول شد، می تواند هر طور که خواست آن را خرج کند، ولی رأی دادن چنین ماهیتی ندارد. رأی دادن به افراد تا حدی مثل آموزش دادن به آنان است که آموزش گیرنده، به رنگ آموزش دهنده درمی آید. ما با مشارکت و رأی دادن خود، نامزد پیروز را به رنگ خود درمی آوریم. ما با رأی دادن خود معجزه می کنیم و دیگران را به بهترین شکل تغییر می دهیم. مسأله فقط رأی دادن نیست، اگر رأی بدهیم و فراموش کنیم و تا ۴ سال دیگر بگیریم رأی خود نباشیم، طبعاً اثرگذاری اندکی خواهیم داشت، ولی به میزانی که در جامعه خود مشارکت می کنیم و از کوچک ترین روزنه ای که برای اثرگذاری و مشارکت پیدای می شود، استفاده می کنیم، به همان اندازه دیگران را متحول

می کنیم. نگاهی به سرنوشت نامزدهای اصولگرا بیندازیم تا روشن شود که نیاز آنان به گرفتن رأی از مردم، ادبیات و ارزش ها و رفتارهای آنان را تا چه حد دچار تغییر کرده است. به تغییرات افرادی که در انتخابات شرکت می کنند تا از مردم رأی بگیرند، نگاهی بیندازیم و آن را با سایر افرادی که هیچ گاه در معرض انتخاب قرار نمی گرفتند، مقایسه کنیم. گروه دوم مثل اشیای غیر قابل تغییر می کنند، ولی افرادی که در معرض رأی بوده اند، دچار تحولاتی شده اند و سعی داشته اند خود را با جامعه و مطالبات آن تطبیق دهند. این همان رنگی است که رأی دهندگان با چیزی بیش از این می خواهیم؟ البته ممکن است شرایط ایده آل تری را مطلوب بدانیم، ولی همان شرایط هم از خلال مشارکت به دست می آید. کافی است فضای عمومی سیاست در ایران امروز را با دوده پیش مقایسه کنیم تا به این تفاوت پی ببریم. امیدواریم که روز جمعه همه با هم پای صندوق های رأی حاضر شویم و اراده مردم خود را نشان دهیم و بوم سیاست ایران را به رنگ مردم نقاشی و رنگ آمیزی کنیم.